



زنگه
در قاره سبز

«وطن امروز» گزارش می دهد

چرا عملکرد و سابقه کاندیداها در مناصب اجرایی می تواند در راستی آزمایشی وعده‌ها و جلب اعتماد عمومی مؤثر باشد

کارنامه

معیار است



گفت‌وگوی «وطن امروز» با دکتر «عباس اسدی» درباره بایسته‌های یک انتخابات سازنده

به عمل کار برآید

می‌دانم که در ۲ بخش طرح می‌کنم. نخستین ضلع این بحث ساخت اجتماعی است که ما در آن واقع شده‌ایم. گسترش بی‌رویه شهرنشینی و ظهور کلاشهر مدرن به تقویت فرهنگ قدرت‌طلبی دامن زده است. همان‌طور که می‌دانید ساخت‌های اجتماعی خنثی نیستند. کلاشهرها در ادبیات جامعه‌شناسی شهری هر یک حامل فرهنگی هستند. این کلاشهرها در نسبت با دیگر نقطه‌های مسکونی همچون روستاها و شهرهای کوچک، جاذبه‌ای را ایجاد و آنها را نیز از خود متأثر می‌کنند. سبیل مهاجرت‌ها از روستا به شهر، همچنین گستردگی روابط بین‌الملل به تغییرات فرهنگی مختلف منجر شده است. از طرفی این مهاجرت‌ها بافت فرهنگی و سنتی افراد و شبکه روابط آنها را از بین برده است و از طرف دیگر آنها را تحت تأثیر مغناطیس شهرها به سمت فرهنگ قدرت‌طلبی می‌کشاند. ذات کلاشهرها تکاپو است. کلاشهر ساخته شده تا انسان‌ها در آن آرام نگیرند. شما باید مدام در تلاش باشید و وضعیت خود را ارتقا دهید. از همین رو است که به اعتقاد برخی جامعه‌شناسان شهری، کلاشهرها تأثیر جدی بر نوآوری‌های فرهنگی دارند. البته این طرف مثبت قضایه است. از منظر آسیب‌شناسی، این تکاپو اگر در خدمت کسب قدرت قرار گیرد، فرهنگ قدرت‌طلبی شکل خواهد گرفت. ما باید توجه کنیم که فرهنگ از نقطه‌ای می‌جوشد و حلقه‌های بعدی‌را از خود متأثر می‌کند. کلاشهرها آن نقطه جوش فرهنگ هستند که دیگر نقاط را نیز از خود متأثر می‌کنند. من از آنجایی که از اوضاع و احوال برخی شهرستان‌ها بی‌خبر نیستم این را می‌بینم که افراد پس از مهاجرت به کلاشهرها، تحت تأثیر این فرهنگ قدرت‌طلبی قرار گرفته و بعد از بازگشت نیز باز به واسطه همان کلاشهر کسب اعتبار کرده و در نهایت با قار گرفتن در برخی مناصب مدیریتی منجر به خلق مساله و بحران می‌شوند. اینگونه شبکه روابط قدرت در شهرستان‌ها نیز بخش می‌شود. گذشته از مقوله ساخت اجتماعی که به اجمال آن را توضیح دادم، مقوله بعدی ساخت معنایی‌ماست. در حقیقت باید گفت سیاست در کشور ما نیز فارغ از ابر معنایی سیاست در دوره مدرن نیست. معنای سیاست مدرن با کتاب «شهریار» ماکیاوولی شروع می‌شود. ماکیاوولی در این اثر تحولی را در معنای سیاست شکل می‌دهد. طرح وی به ما می‌گوید سیاست دیگر عرصه بحث از خیر و شر و حق و حقیقت نیست، بلکه باید به

اکنون که در برهه انتخاباتی دیگری قرار گرفته‌ایم، مساله پساادشت انتخابات و ارتقای سطح جمهوریت نظام اسلامی دوباره به عنوان پرسشی مهم مد نظر برخی کارشناسان قرار گرفته است. در حقیقت این مساله که برخی گمان می‌کنند به صرف ارائه برخی وعده‌های پوچ یا دوقطبی‌سازی‌های کاذب مبتنی بر خطبه‌های ضداخلاقی می‌توانند سبب رای‌بری خود به‌دست آورند، این پرسش را مهم ساخته که چگونه می‌توان یک رای کیفی داشت و از این طریق سازوکار پاسداشت جمهوریت در نظام اسلامی یعنی انتخابات را ارتقا بخشید. در همین راستا با دکتر عباس اسدی، استاد روزنامه‌نگاری دانشگاه علامه طباطبایی و فارغ‌التحصیل دکترای روزنامه‌نگاری از فرانسه به گفت‌وگو پرداختیم.

■ **مساله نخستی که می‌خواهیم به آن بپردازد وضعیت کنشگری‌های سیاسی با توجه به گستردگی رسانه‌های ارتباط جمعی جدید همچون شبکه‌های اجتماعی است.** به اعتقاد برخی ورود ما به عصر هواداری و فرهنگ شهرت بر کنش سیاسی ما غلبه باید یا به تعبیر دیگر کنش‌های سیاسی ما رسانه‌ای شود. آیا شما این نحو از توضیح وضع سیاست را می‌پذیرید؟

زیاد با این صورت‌بندی موافق نیستم. اعتقاد ندارم فرهنگ شهرت بر جامعه ما حاکم است. به باور من آن چیزی که در عرصه سیاست‌ورزی برخی جریان‌های ما حاکم شده فرهنگ قدرت‌طلبی است. یعنی افراد در این فرهنگ تلاش می‌کنند به قدرت برسند تا از مزایای آن جهت بهره‌مندی‌های شخصی، گروهی و جریانی استفاده کنند، بنابراین فرهنگ شهرت سیاست فعلی کنش نمایشی جهت بهره‌مندی از قدرت و مزایای آن به‌کار گرفته می‌شود، البته من این رویکرد را به کلیت سیاست در کشور منتسب نمی‌کنم، بلکه بخشی از آن یا برخی از جریان‌ها را به آن مبتلا می‌دانم، لذا خود آن را به باور من نمی‌توان به نحو مستقل به عنوان یک متغیر جدی لحاظ کرد. من آن چیزی را که به عنوان متغیر اصلی در شکل‌گیری وضعیت سیاسی فعلی دارای مداخلیت

وجود دارد. هر دانشجو می‌تواند برای شبکه دوستان خود در شهرستان، روستا و حتی کلاشهرها تولید فرهنگ کند. متأسفانه علوم انسانی نیز در کشور ما بر بنیان درستی رشد نیافته و لذا خود نیز در رواج سیاست در معنای جدید بی‌تأثیر نبوده است. البته من در اینجا پرهیز دارم از دگم کردن یک مفهوم، یعنی نمی‌خواهم مساله ارتکاب‌علمی مطالعه‌کنم. در اینجا عوامل مختلفی در سطوح مختلف وجود دارد لذا نقش رسانه را نیز به طور کلی انکار نمی‌کنم.

■ **توضیح شما از آسیب‌شناسی و وضع‌شناسی سیاست فعلی روشن و مشخص است. اکنون اگر بخواهیم در مقام چاره‌جویی بر آییم، به باور شما چه راه‌حلی می‌تواند وضعیت سیاست در ایران معاصر را بهبود بخشد؟**

در پاسخ به این سوال باید بگویم ما باید بازگردیم به طرحی که انقلاب اسلامی از سیاست داشت. توجه کنید در دیدگاه اسلام سیاست طرح قدرت نیست، بلکه طرح تعالی است. برخلاف آنکه برخی تحت تأثیر فرهنگ قدرت‌طلبی غربی معتقدند سیاست اصطلاحاً پدر و مادر نمی‌شناسد، ابده و کثیف است اما در دیدگاه اسلام سیاست مقدمه تعالی انسان است. طبیعتاً در چنین طرحی قدرت‌طلبی هیچ جایی ندارد. اگر کسی بخواهد با هدف کسب قدرت وارد صحنه سیاست شود، نقض غرض کرده است. یعنی سیاستی را که قرار بود مقدمه تعالی خود و جامعه شود به ضد خویش تبدیل کرده است. این معانی که ما می‌گوییم چندان خارج از تصور و دور از دسترس نیست. در همین حوالی خودمان و سال‌ها پیش امام خمینی(ره) این طرح از سیاست را نه فقط در معنا بلکه در عمل نیز نشان دادند. با الهام گرفتن از ایشان نیز خیل عظیمی از سیاستمداران همچون شهید رجایی، شهید باهنر، شهید بهشتی و ده‌ها نفر دیگر پا به صحنه گذاشتند که باز همین معنا از سیاست را برای ما تداعی کردند. برخی گمان می‌کنند این معنا از سیاست امروز دیگر مرده و تنها متعلق به گذشته است، در حالی که شهید رئیسی مجدد ما را متوجه همین معنا از سیاست کرد. ایشان نشان داد می‌توان در دوره معاصر سیاست را با اخلاق و تقوا دنبال کرد. برخی ممکن است به عملکرد ایشان نغذاهایی نیز وارد کنند، من قصد قدیس‌سازی از ایشان را ندارم اما حقیقتاً این موضوع را نمی‌شود انکار کرد که ایشان یک سیاست پاک و تمیز، به دور از جناح‌پازی‌ها و

این موضوع پرداخت که شهروان برای حفظ قدرت خود از چه سازوکارهایی استفاده می‌کنند. این رویکرد هر چند به نظر ساده اما چرخشی در معنای سیاست بود. سیاست در ایده ماکیاوولی می‌شود پرسش از چگونگی حفظ قدرت و در این معنا از سیاست، اخلاق و متفاوت‌یک به حاشیه رانده می‌شود. ما یک سیاست کاملاً زمینی، بدون متفاوت‌یک و بریده از اخلاق داریم. سیاست مدرن با این رویکرد متولد می‌شود. به واسطه تحولات بعدی یعنی قضیه استعمار، صنعتی شدن، گسترش ارتباطات و ده‌ها تحول دیگر فرهنگ‌ها به یکدیگر نزدیک می‌شوند و البته در این نزدیکی، متأسفانه غرب موفق می‌شود نظم خود را بر دیگر جوامع استیلا بخشد، بنابراین کشور ما نیز به معنای مطلق از ذیل این ابر معنایی خارج نیست و سیاست در کشور ما نیز متأثر از این وضعیت است. پس به طور خلاصه ۲ مساله ساخت اجتماعی یعنی قضیه کلاشهرنشینی و از طرف دیگر ابر معنایی سیاست مدرن عواملی جدی‌ای هستند که بر فرهنگ سیاسی در کشور ما نیز اثر گذاشته‌اند.

■ **پس به باور شما گذار از رسانه‌های مکتوب سنتی همچون روزنامه به رسانه‌های بصری و تعاملی همچون شبکه‌های مجازی هیچ تأثیری بر کنش سیاسی ما نداشته است؟**

من متوجه دغدغه شما هستم. من نیز می‌دانم کنش سیاسی ما در طول کمتر از ۲ دهه گذشته، هیچانی‌تر، توده‌ای‌تر، مبتنی بر دوقطبی‌های کاذب رسانه‌ای و... شده است اما به باور من رسانه در اینجا متغیر اصلی نیست. رسانه در انتهای مسیر قرار دارد. من نگاه ذات‌انگاران به رسانه همین فرهنگ فضای مجازی لاجرم ما را به سمت الگوی خاصی از کنش سوق می‌دهد، بلکه به باور من خود رسانه نیز بخشی از چرخ دنده‌های این وضعیت است.

■ **اگر بخواهید از منظر ارتباطی این موضوع را توضیح دهید به چه بخشی تأکید می‌کنید؟**

از منظر ارتباطی به باور من در جامعه ما هنوز ارتباطات میان‌فردی است که بسیار قدرتمند عمل می‌کند، یعنی افراد به واسطه شبکه‌های ارتباطی میان خود هستند که آهسته آهسته همین فرهنگ قدرت‌طلبی را ترویج می‌کنند. من آنگونه که برخی در نقش رسانه‌بزرگمایی می‌کنند چنین بلوری ندارم اما ارتباط میان‌فردی را باید جدی بگیریم. ما در کشوری هستیم که ۲۰ میلیون فارغ‌التحصیل دانشگاهی در آن

باندبازی‌های مرسوم ارائه کرد. ■ **به عنوان سوال آخر با توجه به اینکه اکنون در برهه انتخابات هستیم، اگر بخواهید به طور جزئی‌تر چند راهکار را در اختیار خوانندگان قرار دهید تا از طریق آن بتوانند نامزدی را روانه پایستور کنند که طرح انقلاب اسلامی از سیاست را دنبال کرده و امتداد راه شهید رئیسی باشد، چه مسائلی را محل توجه قرار می‌دهید؟**

من آن بحث‌های قبلی که شما طرح کردید یعنی غلبه کنش رسانه‌ای، هیچانی و... بر فضای سیاسی را نیز مهم می‌دانم. ما باید از رسانه‌دگی در انتخاب سیاسی پرهیز کنیم، بویژه پس از انتخابات سال ۸۸ سیاست در ایران جلوه متفاوتی را از خود نشان داد. بی‌اخلاقی‌های انتخاباتی به امر ملی ما ضربه زده و منجر به آن شده که در بلندمدت استقبال مردم از کلیت نظام و صندوق رای کمتر شود. مردم باید هوشیار بوده و به اخلاق انتخاباتی نامزدها توجه ویژه داشته باشند. به لطف وجود ربات‌ها و هوش مصنوعی رصد فضای مجازی امروز بسیار راحت‌تر شده است. طبق بررسی‌ها برخی نامزدها که بی‌اخلاقی‌هایی نیز داشتند نامزدها نیز مهم است. متأسفانه برخی به جناح‌بندی شخصیت‌های مرجع اجتماعی نقش ویژه‌ای دارند. درست است در کشور ما مراجع اجتماعی دچار افول شدند و برخی سلبریتی‌ها جایگاه جدی پیدا کرده‌اند اما هنوز روحانیون، اساتید دانشگاه، روزنامه‌نگاران، معلم‌ها و... که جزو طبقات فریبخته جامعه به شمار می‌روند دارای اعتبار هستند. این گروه‌ها به جای افتادن در دامن بازی‌های سیاسی، باید مردم را به این سمت سوق دهند که به کارنامه افراد، عملکرد آنها، اخلاق سیاسی و مسائلی از این دست رای دهند نه آنکه فریب‌پذیر و قایل‌های تبلیغاتی و شعارهای توخالی یا دوقطبی‌سازی‌های کاذب را بپذیرند. توجه به گفتمان نامزدها نیز مهم است. متأسفانه برخی به جناح‌بندی افراد نگاه می‌کنند و رای می‌دهند در حالی که به باور من این موضوع غلط است. امیدوارم انتخابات پیش رو مظهر سیاست متعالی، اخلاقی و سازنده برای کشور باشد. در انتها باید به نامزدهای محترم بگویم «دب مرد به ز دولت اوست». آنها اگر در انتخابات بازنده شوند اما چهره‌ای اخلاقی از خود به جا بگذارند بسیار پسندیده‌تر از آن است که با بی‌اخلاقی بخواهند سبد رای خود را فربه‌تر کنند.

تیتراهای امروز

«وطن امروز» گزارش می‌دهد: پس از نشست وزرای خارجه کشورهای عضو بریکس این پیمان چگونگی می‌تواند به رشد اقتصادی کشور کمک کند

بلوک جدید اقتصادی



«وطن امروز» گزارش می‌دهد: اجتماع نظر اقتصاددانان بر شناسایی چالش‌ها و ارائه راهکارهای اقتصادی به رئیس دولت چهاردهم

۱۴ راهکار اقتصاددانان

بنی گانتس، عضو کابینه جنگ رژیم صهیونیستی در اعتراض به سیاست نتانیاهو در جنگ غزه رسماً از سمت خود استعفا کرد

فروپاشید!

■ بعد از عملیات ۷ اکتبر گانتس، آیزنکوت رئیس اطلاعات نظامی رژیم صهیونیستی فرمانده تیپ غزه و چند وزیر استعفا کرده‌اند

■ با بازداشت سهیل مهدی تعداد بازداشتی‌های پرونده فساد در فوتبال به ۲ نفر رسید

پاکسازی بدون توقف

نگاه

نشست اقتصادی برای گذار به جهان چندقطبی

مهدی سیف‌تیریزی: در بیست‌وهفتمین نشست اقتصادی سن پترزبورگ که با حضور ۱۳۹ مقام بلندپایه سیاسی، اقتصادی و رسانه‌ای جهان و با حضور ۱۸۶۰۰ شرکت‌کننده با شعار «تشکیل مراکز جدید رشد به عنوان سنگ بنای یک جهان چندقطبی» در روسیه برگزار شد، شاهد شکست سیاست‌های انزوی اقتصادی و دیپلماتیک غرب جمعی در قبال مسکو هستیم؛ نشستی که از سال ۱۹۹۷ با هدف نشان دادن فرصت‌های سرمایه‌گذاری خارجی در روسیه، بحث درباره سیاست‌های اقتصادی و ارائه تصویری جهانی از پویایی اقتصادی روسیه در شهر سن پترزبورگ در حال برگزاری است و از آن به‌عنوان «داووس روسیه» نام برده می‌شود و سالانه شاهد حضور طیف گسترده‌ای از سیاستمداران و سرمایه‌داران غربی در آن بودیم. شاید بتوانیم مهم‌ترین رویداد تجاری‌ای که در این نشست و در اوج روابط روسیه و غرب اتفاق افتاد، قرارداد خط لوله گاز «تورداستریم» بین روسیه و آلمان بدانیم؛ قراردادی که اقتصاد کشورهای اروپای غربی و روسیه را دچار تحولی بزرگ در این حوزه کرد.

با این حال، جنگ اوکراین وضعیت را در روابط ژئوپلیتیک و تجارت جهانی تغییر داد. از روزهایی که تعداد زیادی از رهبران تجاری و سران کشورهای غربی در مجمع اقتصادی بین‌المللی سن پترزبورگ شرکت می‌کردند و این امکان را به روسیه می‌داد تا این کشور اقتصاد و فرصت‌های سرمایه‌گذاری خود را به نمایش بگذارد، چند سال گذشته است. اکنون اما روسیه به دنبال استفاده از مزایای نشست اقتصادی سن پترزبورگ به منظور ایجاد روابط مستحکم با کشورهای جنوب جهانی و بویژه اعضای بریکس، شانگهای و اتحادیه اقتصادی اوراسیا است. روسیه نشان داد با گسترش گفتمان جهان چندقطبی و برنامه‌ریزی صحیح در دست‌یابی به این استراتژی، توانسته است نتایج خود را از بحران‌های ناشی از تحریم‌های گسترده غرب جمعی رها کند و رشد اقتصادی ۳.۶ درصدی را در سال ۲۰۲۳ و ۵.۴ درصدی را در ۳ ماهه اول سال ۲۰۲۴ برای این کشور به ارمغان بیاورد، بلکه توانسته در اوج تحریم‌ها از نظر برابری قدرت خرید و تولید ناخالص داخلی، این کشور را در جایگاه چهارم بزرگ‌ترین اقتصاد جهان قرار دهد و این درحالی است که آمریکا با ۲.۷ درصد، آلمان ۰.۲ درصد، انگلستان ۰.۵ درصد و فرانسه ۰.۷ درصد رشد اقتصادی، ارقام بسیار کمتری را نسبت به روسیه دارا هستند.